

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۱

## توسعه مدیریت و نقش خلاقیت پلیس در نظم و امنیت عمومی

نادر هوشمندیار<sup>۱</sup>

### چکیده:

هدف: هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی اندازه اثر متغیرهای توسعه مدیریت و نقش خلاقیت پلیس در نظم و امنیت عمومی مربوط در ایران است.

روش: این پژوهش از جنبه هدف، پژوهشی کاربردی است و از جنبه گردآوری اطلاعات در رده توصیفی پیمایشی قرار دارد. تمام جامعه آماری (۸۰ نفر) از افراد نیروی انتظامی پلیس از مناطق مختلف تهران بزرگ متعلق به سه سطح سلسله مراتب سازمانی به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته شامل ۲۱ سؤال بود. از تعداد ۸۰ پرسش نامه توزیع شده، به ۶۹ پرسشنامه پاسخ داده شد. روایی و پایایی پرسشنامه به وسیله ضریب آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفته شد. برای ارزیابی فرضیه های آماری پژوهش، از ضریب همبستگی اسپیرمن با استفاده از نرم افزار SPSS 22 کبررسی های لازم صورت گرفت.

یافته ها: براساس یافته های پژوهش، رابطه بین موفقیت نقش توسعه مدیریت با صفات خلاقیت و شخصیتی براساس ضریب همبستگی اسپیرمن ( $r_s = 35.3\%$  و  $p = 0.006$ ) است، در نتیجه رابطه مثبت و معناداری بین این دو متغیر وجود دارد. همچنین رابطه بین موفقیت با صفات انگیزشی خلاقیت براساس ضریب همبستگی اسپیرمن ( $r_s = 23.8\%$  و  $p = 0.069$ ) نشان داد رابطه مثبت و معناداری نیز بین این دو متغیر وجود دارد. در بررسی رابطه نقش توسعه مدیریت با خلاقیت، وابستگی با پرسنل پلیس براساس ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد بین خلاقیت با این متغیرها رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین در بررسی رابطه موفقیت، ابتکار و خلاقیت با نیاز به قدرت، نیاز به پاداش مالی و نیاز به امنیت شغلی سیستم پلیس براساس ضریب همبستگی اسپیرمن، نشان داد بین خلاقیت با این متغیرها نیز رابطه معناداری وجود ندارد.

۱- نادر هوشمندیار، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران، ایران nader.houshmandyar@gmail.com

از طرفی بررسی رابطه نقش توسعه مدیریت با خلاقیت با ابتکار توانایی سیستم پلیس، اعتماد به نفس، قاطعیت، براساس ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد که بین نقش توسعه مدیریت با خلاقیت با این متغیرها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری: بین موفقیت نقش توسعه مدیریت با صفات خلاقیت و شخصیتی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بین موفقیت با صفات انگیزشی خلاقیت نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین نقش توسعه مدیریت و خلاقیت با ابتکار توانایی سیستم پلیس، اعتماد به نفس و قاطعیت رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

**کلید واژه ها:** توسعه مدیریت، خلاقیت، نظم و امنیت.

#### مقدمه:

آموزش با تأکید بر در نظر گرفتن رویکرد خلاقیت نیروی پلیس در مأموریت‌های گفتمانی، فرهنگی و تعاملی با شهروندان در راستای نقش توسعه مدیریت نیروی انتظامی و سرمایه اجتماعی، بسیار مهم قلمداد می‌شود و به همین دلیل در این ارتباط، رسانه‌های اجتماعی حقیقی و مجازی، پل ارتباطی میان مردم و پلیس در جهت ارتقای سطح آگاهی شهروندان به شمار می‌روند. نباید فراموش کرد که نقش آموزش در توسعه مدیریت و خلاقیت نیروی انسانی پلیس، با تکیه بر بهره‌گیری از اطلاع‌رسانی به مردم، در توسعه و تحکیم نظم و امنیت اجتماعی، بالابردن ضریب امنیت در جامعه و افزایش امنیت روانی بین شهروندان از اهداف اصلی پلیس در حوزه توسعه مدیریتی و خلاقیت پلیس قلمداد می‌شود. یکی از اصول اولیه در هر آموزشی، توجه به فرصت‌ها و تهدیدها در پیشگیری از انواع آسیب‌های اجتماعی مانند سرقت در تعطیلات سالانه است. بنابراین آموزش و توسعه مدیریت نیروی انسانی از طریق نهادهای فرهنگی قطعاً اثرگذارتر از حضور فیزیکی پلیس است؛ زیرا رویکرد خلاقیت پلیس در برابر هجوم فرهنگی و جنگ نرم دشمنان رویکرد

فرهنگی و اجتماعی است و با تلاش و همدلی مردم می‌توان اهداف دشمنان را در تخریب فکر و ذهن نسل جوان خنثی کرد (هوشمندیار، ۱۳۹۳، ۶۵-۷۱).

یکی از دشواری‌های فعلی جامعه ما نهادینه نبودن فرهنگ ترافیکی در مسیرهای برون‌شهری جاده‌هاست که بیشتر از طرف جوانان ایجاد می‌شود و بیشترین علت تصادفات را در بر می‌گیرد. حال اگر آموزش و توسعه مدیریت نیروی انتظامی در قلمرو پلیس ساختارمند و نهادینه و قوانین راهنمایی و رانندگی رعایت و تلفات درون‌شهری و برون‌شهری با سیستم‌های هوشمند کنترل شود، نتیجه آن ایجاد آرامش، نظم و امنیت عمومی است و حس روانی مثبت در جامعه رونق می‌یابد. یکی از عوامل موثر در کاهش تمام جرایم آسیب‌های اجتماعی، استفاده از توسعه مدیریت نیروی انسانی و سرمایه‌های اجتماعی در بخش خصوصی در ارائه خدمات مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ به شهروندان عزیز است که به‌نوعی تبلور دقت و سرعت و در عین حال به‌روز بودن فرآیند رسیدگی به مشکلات را در خود جای داده است. بعضاً (NGO) ها هم با عنوان کارآگاه‌های خصوصی، حافظان فردی و گروهی و غیره در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به صورت تکنسین (اجرایی) و مهندسی (سیاستگذاری) دیده می‌شوند و این موضوع می‌تواند به ارتقای سطح کاربردی پلیس کمک کند.

در مطالعات انجام شده در ارتباط با نقش آموزش در توسعه مدیریت، وظایف و خلاقیت پلیس در تامین نظم و امنیت اجتماعی، همواره به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی هر جامعه انسانی مطرح بوده است؛ زیرا وجود نظم و امنیت در سطح جوامع به‌عنوان مهمترین کارکرد اساسی دیده می‌شود. در واقع نظم و امنیت اجتماعی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین کارهای ویژه نهاد اجتماعی دولت‌ها است که مردم حق خود را در دفاع از حریم عمومی و خصوصی حفظ جامعه به آن تفویض می‌کنند و این مسأله بر اساس دیدگاه نخبه‌گرایی، بیانگر نقش بارز نهاد اجتماعی حاکمیت در تامین امنیت در سطح جامعه است. ارزش‌ها بر اساس فرهنگ، فرآیند اجتماعی شدن، وفاق و همکاری اجتماعی و غیره بین شهروندان

شکل می‌گیرند و از این روست که مهمترین عوامل ارتقاء و تقویت نظم و امنیت جامعه به چنین نشانه‌هایی سنجیده می‌شوند، بنابراین در این خصوص باید بسترسازی را از طریق آموزش نهادینه کنیم. در مطالعات جامعه‌شناختی باید عنوان کرد که از دو بُعد می‌توان از این نوع امنیت بهره برد: اول اینکه این نوع امنیت در سطح جامعه از منظر ضرورت حیات اجتماعی برای بقای هر جامعه‌ای لازم است. دوم اینکه از منظر تأثیرگذاری در کم و کیف امور اجتماعی، سیاسی، دولتی و حکومتی که جامعه با بحران‌ها و مسائلی روبه‌رو می‌شود بروز چنین پدیده‌ای در سطح جامعه لازم است. بنابراین طرح و تدوین چارچوب جامعه‌شناختی برای این پدیده در حال حاضر برای هر اجتماعی از جمله جامعه خودمان لازم به نظر می‌رسد (احمدی، ۱۳۷۸).

در تحقیقات علوم انسانی در خصوص نقش توسعه مدیریتی و خلاقیت پلیس در نظم و امنیت عمومی، نظم و امنیت را در بستر روابط و مناسبات سیاسی، اجتماعی در سطح جامعه و در میان شهروندان مطالعه و بررسی می‌کنند، بنابراین در جامعه‌شناسی نظم و امنیت، متغیرهایی مانند « وفاق اجتماعی، همکاری گروهی، احساس تعلق خاطر به ارزش‌های اجتماعی، سرمایه و ظرفیت اجتماعی، گروه‌اندیشی، اعتماد اجتماعی، تشکل‌ها و جنبش‌های اجتماعی و به‌طور کل مرجعیت گروه به مثابه شکل دهنده امنیت و احساس ایمنی مورد بحث قرار می‌گیرد. بر اساس مطالعه چنین شاخص‌هایی است که شکنندگی یا استحکام اجتماعی واحدهای سیاسی مشخص می‌شود» (نصری، ۱۳۸۱، ۱۱۳).

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که نظم و امنیت جامعه، توسعه مدیریت و خلاقیت پلیس، حفظ حریم و نظم عمومی جامعه را در جهت کسب فرصت‌ها و رفع تهدیدها در زندگی شهروندان ایجاد می‌کند. نظریه‌پردازان امنیت اجتماعی چون گیدنز، هویت را به مثابه روح جامعه قلمداد کرده‌اند که در تبیین امنیت و امنیت اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ زیرا با توجه به تغییرات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فن‌آوری که به سرعت در حال رخ دادن در سطح جهان است، عطف توجه به بسترها و زمینه‌های اجتماعی امنیت امری ضروری و

انکارناپذیر است. بنابراین فضای فکری نظریه پردازان امنیت اجتماعی بر مبنای زایش دولت های ملی و طرح منسجم ملی گرایی در عرصه روابط سیاسی است. پس محور اصلی امنیت اجتماعی در حوزه یک دولت ملی امکان تحقق پیدا می کند. با توجه به اهمیت چنین موضوعی، مهمترین دیدگاه نظریه پردازان در باب امنیت و امنیت اجتماعی را به صورت موجز در سطور ذیل تشریح و تبیین می کنیم.

آنتونی گیدنز در تعریف امنیت بیان می کند که «اعتماد و امنیت، خطر کردن و در معرض خطر قرار گرفتن چیزهایی هستند که به مناسبت های تاریخی مختلف در جامعه متجدد وجود داشته است و دارد. اعتماد و مخاطره امنیت و خطر، این ویژگی های دو قطبی و تعارض آمیز مدرنیت در همه جنبه های زندگی روزانه تأثیر می گذارد و بار دیگر در هم تنیدگی خارق العاده موقعیت محلی و جهانی را نشان می دهد» (نویدنیا، ۱۳۸۸، ۳۳). به نظر او امنیت و اعتماد زمانی ضرورت پیدا می کند که ناشی از فاصله گیری روزافزون زمانی و فضایی در جامعه مدرن باشیم و دیگر اطلاع کاملی از پدیده های اجتماعی نداشته باشیم. بنابراین اعتماد عبارت است از «اطمینان قابل اعتماد بودن یک شخص یا یک نظام با توجه به مجموعه معینی از برون داده ها یا رویدادها؛ یعنی ایمان به صداقت یا عشق دیگری یا درستی اصول انتزاعی (دانش فنی). اعتماد نه تنها در جامعه مدرن به معنای عام آن، بلکه در مورد ژتون های نمادین و نظام های تخصصی که در جهت برکندن زندگی در جهان مدرن عمل می کنند، نیز از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. برای مثال اقتصاد پولی و نظام حقوقی در شرایطی می توانند به فعالیت خود ادامه دهند که افراد جامعه به آن ها اعتماد داشته باشند». (گیدنز، ۱۹۹۰، به نقل از ریتزر و همکار، ۱۳۹۰، ۶۳۱). گیدنز بر این تأکید می کند که برای درک ضرورت توجه به امنیت، باید به سیمای مخاطره آمیز بودن جامعه مدرنیت به دقت توجه کرد. او این سیما را جهانی شدن مخاطرات نامیده است. این خطرات در سرتاسر جهان افراد را تحت تأثیر خود قرار داده است مانند تقسیم کار جهانی؛ این خطرات بر سرنوشت تمام افراد جهان اثرگذار است. با توجه به این مسأله «امنیت را می توان موقعیتی خواند که در آن

با یک رشته خطرهای خاص مقابله شده باشد یا به حداقل رسیده باشد. تجربه امنیت به تعادل اعتماد و مخاطره بستگی دارد. امنیت در معنای بالفعل و چه به معنای تجربی آن، ممکن است به مجموعه‌هایی از آدم‌ها تا مرز امنیت جهانی یا به افراد ارتباط داشته باشد. به این ترتیب گیدنز مصونیت در برابر خطرها را امنیت تعریف کرده است. در نظر گیدنز خطر و امنیت دو روی سکه را تشکیل می‌دهند به گونه‌ای که وقتی روی امنیت در دست است خطر رخت بر بسته است و بالعکس زمانی که با خطر دست‌وپنجه نرم می‌کنیم، امنیت مغشوش و پنهان است» (غفاری، ۱۳۹۰، ۱۲۰). گیدنز در بحث امنیت، اشاره به مفهوم امنیت وجودی می‌کند. ضرورت این مفهوم برای مقاومت در مقابل هجوم گسترده و بی سابقه مخاطرات نهادهای مدرنیته است، بنابراین امنیت وجودی عبارت است از «ایمن بودن؛ یعنی در اختیار داشتن پاسخ‌هایی در سطح ناخودآگاه و خودآگاهی عملی برای بعضی پرسش‌های وجودی بنیادین که همه آدمیان طی عمر خود به نحوی مطرح کرده‌اند. او بیان می‌کند که ما برای زیستن و گذارندن عمر خود معمولاً مسائل و موضوعاتی را مسلم و قطعی می‌پنداریم که براساس قرن‌ها جست‌وجو و تعمق متفکران و فیلسوفان در برابر نگاه‌های شکاکانه تاب نخواهد آورد و طراوت و اصالت خود را از دست خواهد داد. این گونه موضوع‌ها در برگیرنده پرسش‌هایی هم خواهد بود که آن‌ها را به‌طور اخص، مسائل وجودی می‌نامد. این‌ها به‌طور معمول پرسش‌هایی هستند درباره زمان، فضا، پیوستگی و هویت. در حالت عادی، افراد پارامترهای وجودی فعالیت خود را مسلم و تضمین‌شده می‌انگارند، فعالیتی که به‌وسیله قراردادهای اجتماعی معینی که پذیرفته‌اند و رعایت می‌کنند تأیید و تقویت می‌شوند، ولی به‌هیچ‌وجه پابرجا و قطعی تلقی نمی‌شوند... هرج و مرج در کمین نهشته است و این هرج و مرج به معنای از هم‌پاشیدگی و بی‌نظمی، بلکه به معنای از دست رفتن مفهوم واقعیت اصیل اشیا و دیگر اشخاص است» (گیدنز، ۱۳۹۰، ۶۱).

با توجه به این امر، امنیت وجودی که حاصل اعتماد به تعاریفی از زندگی است که هویت و هستی انسان بر مبنای آن سامان می‌گیرد، امنیتی درونی و روانی است. به اعتقاد گیدنز،

امنیت وجودی در خانواده پایه‌ریزی شده است و بر پایه اعتماد بنیادی که منشأ آن لطف و محبت بی‌دریغ والدین، بویژه مادر است استحکام می‌یابد. او به‌رغم آنکه وجود خانواده را برای سامان‌بخشی به امنیت وجودی کودک لازم می‌داند آن را شرط کافی نمی‌داند. بنابراین انسان در تمام مراحل زندگی در پی تکوین امنیت وجودی خویش است و این امر از بدو تولد از طریق خانواده و سپس دوستان ادامه می‌یابد. به این ترتیب، براساس نظریات گیدنز می‌توان به نکاتی پیرامون امنیت دست یافت: «اول آن که امنیت به خودی خود قابل تعریف نیست و بر مبنای بود و نبود خطر قابل تعریف می‌شود، دوم آن که امنیت یک فرآیند زمانی است که طی زمان شکل می‌گیرد و در هر لحظه براساس برآورد خطر تغییر می‌کند. سوم آن که وجه ذهنی و فکری امنیت در جهان مدرنیته بسیار مهمتر از وجه عینی امنیت است. چراکه بسیاری از خطرات به یمن تکنولوژی به کنترل درآمده‌اند و بسیاری خطرات جدید نیز مانند مخاطرات زیست‌محیطی یا جنگ هسته‌ای قابل پیش‌بینی و کنترل نیستند. بنابراین آنچه در این گردونه مدرنیته از دست انسان برمی‌آید تضمین سلامت امنیت روحی و روانی‌اش است که با تشکیل هویت مطلوب در سایه امنیت وجودی میسر است. چهارم آن که، در جهان مدرن که بسیاری از وجوه زندگی انسان از تعلیق محیط و محله آزاد است باز نیاز انسان به خانواده همچنان باقی است و خانواده هنوز به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد در جامعه به نقش آفرینی می‌پردازد. پنجم آنکه گیدنز امنیت وجودی را به‌عنوان بعد اساسی امنیت در نظر می‌گیرد. امنیت وجودی که ضمن اطمینان به شناخت‌ها، هستی‌شناسی فرد را سامان می‌بخشد، پایه و بنیان وجود آدمی را در می‌نوردد و به اعتقاد گیدنز، برخورداری از چنین امنیتی، تکیه‌گاه و بنیان سایر وجوه امنیت را تشکیل می‌دهد. داشتن شخصیت و هویتی استوار و بدون تزلزل، شرط اول برای مقابله با سایر خطرات خواهد بود و بالعکس شخصیتی مضطرب و مشوش با وجود شرایط متقن و مطمئن از آرامش و اعتماد بی‌بهره است. ششم آنکه گرچه گیدنز سعی کرده است به اعتماد و امنیت وجوه عینی ببخشد ولی در نهایت بر اهمیت بعد ذهنی تأکید فراوان می‌کند به‌طوری که او سیاست زندگی را نیز در همین جهت

دانسته است. گیدنز از شیوه زندگی و سیاست زندگی به عنوان دو وجه متفاوت حیات انسان نام می برد. شیوه زندگی همان الگوی مصرفی است که جامعه مدرن پیش روی انسان نهاده است و با مصرف هر چه بیشتر کالاها و دریافت خدمات به منزلت اجتماعی بالاتری نایل می شود. اما سیاست زندگی از داستان تحقق انسان حکایت می کند؛ یعنی انسان در چه راه و به چه شیوه ای هدف خود را تعریف می کند و تحقق می بخشد. سیاست زندگی که بر زندگی به شیوه دلخواه تأکید می کند باعث رضایت می شود و خشنودی انسان را به همراه می آورد» (نویدنیا، ۱۳۸۸، ۴۱).

بنابراین گیدنز برای جوامع مختلف که از سطوح مختلف مدرنیته بهره مند هستند دو وجه زندگی را طرح می کند: در وجه عینی شیوه زندگی، امکان زندگی برای تمام افراد به گونه ای فراهم است که جامعه مدرن تعریف می شود. در این جامعه، افراد از سطح قابل قبولی برای گذران زندگی و انتخاب شیوه زندگی بهره مند هستند. اما در بحث امنیت ذهنی که معطوف به خشنودی و رضایت فرد از خویش است، فرد با نحوه انتخاب راه و روش زندگی خود این وجه را محقق می کند؛ یعنی به گونه ای فرد زندگی می کند که دوست دارد. در این وجه، ارتباط ناب در راستای استمرار امنیت وجودی، منبع انرژی برای پیشبرد اهداف سیاست زندگی در نظر گرفته می شود. او معتقد است که وجود احساسات گرم، عاطفی و صمیمی مانند محافظی اطراف انسان عمل می کنند و او را از بسیاری تشویش ها و اضطرابات رهایی می بخشند که همان احساس ناامنی است.

همانطور که اشاره شد بخشی از گفتمان حاکم بر امنیت اجتماعی، وجه سلبی آن است که ناشی از این مسأله است که شرایط فارغ بودن از ترس، خطر، زیان و صدمه را برای گروه های اجتماعی یا تمام شهروندان یک نظام اجتماعی جهت برخوردار بودن از شرایط اطمینان خاطر و آرامش از سوی دولت یا حاکمیت با توسل به زور و قدرت فراهم شود. چنانکه مولار خاطر نشان می کند، امنیت اجتماعی زمانی حاصل می شود که جامعه تهدیدی در باب مؤلفه های هویتی خود احساس کند: «به نظر مولار امنیت اجتماعی مقوله ای است که افراد و



دولت به همراه یکدیگر در تأمین آن سهیم و شریک هستند و از این رو، به تدریج و همگام باغیرقابل تفکیک شدن دولت و جامعه از یکدیگر، همین حالت در خصوص ناامنی آن دو مصداق پیدا می‌کند. در حال حاضر با توجه به کاهش کنترل حکومت‌ها بر جوامع خود، ظهور جنبش‌های جدایی طلب، فراملی، افزایش روزافزون مهاجرت و جریان حرکت پناهندگان و چارچوب‌های در حال تحول داخلی و خارجی، بررسی روابط دولت و مردم امری اجتناب ناپذیر است و تعریف گفتمان جدید امنیتی برای تنظیم روابط میان مردم و دولت‌ها در قالب گروه‌های اجتماعی ضروری است. «او در همین راستا مفهوم امنیت اجتماعی را بیان می‌کند. مولار تأکید دارد که: «امنیت اجتماعی را به‌عنوان یک مفهوم فرضی برای هر جمع انسانی به کاربرد و آن را عبارت می‌داند از قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، انجمن‌ها، مذهب، هویت ملی و رسوم. بدین ترتیب امنیت جوامع آشکارا با امنیت سیاسی پیوند دارد، اما مجزا از آن است. امنیت سیاسی به ثبات سازمانی کشورها، نظام‌های دولت و ایدئولوژی‌هایی که به دولت‌ها و حکومت‌ها مشروعیت می‌بخشد مربوط می‌شود اما امنیت اجتماعی به بقای گروه‌هایی توجه دارد که به جهت اشتراک اعضای آن در اندیشه، احساس و اعمال، کلیت یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهند که از آن به‌عنوان هویت یاد می‌شود» (بیات، ۱۳۸۸، ۸۳).

در جهان امروز، مرزهای دولت و جامعه به ندرت قرینه و منطبق بر هم هستند. بنابراین، کلید تقرب به جامعه، ایده‌ها و کردارهایی است که افراد را به‌عنوان اعضای یک گروه اجتماعی معرفی می‌کند. جامعه شامل هویت و ذهنیت فردی اجتماعات و آن افرادی است که خود را به‌عنوان اعضای یک اجتماع یا جامعه خاص می‌شناسد. این امر باعث می‌شود که امنیت اجتماعی به‌عنوان امنیت جامعه یا گروه‌ها و جمع‌های شکل‌دهنده جامعه درک و فهم شود. مولار در پاسخ به اینکه امنیت برای چه کسی و در برابر چه چیزی؟ امنیت را به سه شکل امنیت ملی، امنیت انسانی، و امنیت اجتماعی تقسیم می‌کند. از نظر او: «در امنیت ملی، مرجع امنیت دولت است و تهدیداتی که حاکمیت و قلمرو سرزمینی آن را با خطر مواجه می

سازد، تهدید امنیتی. در امنیت انسانی؛ مرجع امنیت، فرد است و هر چیزی را نیز آن شکل از امنیت می داند که مرجع آن گروه های اجتماعی است» (غفاری، ۱۳۹۰، ۱۲۱).

عموماً برنامه های آموزش توسعه مدیریتی پلیس که بر جنبه های تعاملی و روابط مدار در میان نیازهای جامعه در خصوص آموزش و ارتقای سطح آنان تأکید دارند، برنامه های مناسب تری برای مدیریتی سیستم پلیس دانسته شده اند و برای افزایش اثربخشی آنان ارزش زیادی دارند. انواع برنامه هایی که به نظر می رسد بیش از همه برای افزایش اثربخشی همه نیروهای سه قوه مفید هستند برنامه هایی در حوزه مدیریت منابع انسانی، روابط انسانی، هدایت و رهبری و ایجاد ارتباطات بین مردم و پلیس هستند. گذشته از این، مفهوم نقش نظم و امنیت، اثربخشی مدیریتی پلیس و محتوای برنامه های آموزش و توسعه مدیریت نیروی انسانی و سرمایه اجتماعی را باید به گونه ای مد نظر داشت و طرح ریزی کرد که سیستم مدیریتی پلیس را با مفاهیم، نظریات، کارکردها، و فنون مدیریت مدرن آشنا ساخت (آنالویی، ۲۰۰۲، ۲۳۴-۳۲۶).

نهاد و سیستم مدیریتی پلیس، در کل انتظار دارند که برنامه های آموزش مدیریتی به پیشرفت شخصی آنان و کسب معلومات و مهارت های مربوط به تعامل با سایر افراد جامعه و انجام وظایف شغلی منجر شوند. با این همه، در مقایسه با انواع مهارت های مربوط به تعامل با سایر افراد و انجام وظایف شغلی، مسأله پیشرفت شخصی کمتر مورد تأکید قرار می گیرد. از سوی دیگر، نیاز دائمی به ارتقای سطح کیفی نیروهای سه قوه، بویژه حوزه مدیریتی پلیس، احساس می شود. به منظور تضمین اثربخشی کلی همه نیروهای انتظامی ضروری است که راهبرد روشنی در خصوص افزایش اثربخشی مدیریتی، یک خط مشی در زمینه نقش نظم، امنیت و توسعه مدیریت اتخاذ شود که مبتنی بر ارزیابی درست و روزآمدی از نیازهای افراد جامعه، گروه ها و کل کشور در زمینه ارتقای سطح کیفی حفاظتی باشد. با این حال، این نتیجه نیز حاصل می شود که برای کارآمد شدن نظم و امنیت، تنها این کافی نیست که از طریق آموزش مدیریت، کمبود تجربه یا تحصیلات آنان را جبران کنیم، بلکه همچنین

شناسایی و رفع موانع موجود در مسیر اثربخشی مدیریت سیستم نیروهای انتظامی، برنامه‌های آموزش و توسعه مدیریت، توسط سازمان مربوطه تا حد امکان، حائز اهمیت است. نظم، امنیت و توسعه خلاقیت مدیریت اجتماعی نیروی انتظامی (پلیس)، همواره به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی هر جامعه انسانی مطرح بوده است. نقش توسعه مدیریتی پلیس در ایجاد نظم و امنیت در جامعه، ناشی از استمرار احترام متقابل و وجود ارزش‌های انسانی، اخلاق‌مداری، رعایت قانون از یک طرف، و ثبات بُعد فرهنگی مانند (فرآیند اجتماعی شدن، نظم، همدلی و همکاری اجتماعی و غیره) توجه به حفظ حریم اجتماعی، رفع خطرات، استفاده بهینه از فرصت‌ها، طرد تهدیدها و ارتقای سطح زندگی جامعه از طرف دیگر است که در نهایت خروجی آن رفاه و آرامش مردم به‌شمار می‌رود. اهمیت نقش پلیس در نظم و امنیت اجتماعی و توسعه مدیریتی نیروی انتظامی را می‌توان به نوعی ارائه توانمندی حفاظت از جامعه برای مراقبت از ویژگی‌های بنیادی گروه‌ها و قومیت‌های مختلف در مملکت، در برابر تغییرات و تهدیدهای عینی جامعه یا همان تقویت هویت‌های اجتماعی و ملت دانست (بیات، ۱۳۸۸، ۹۷).

از سوی دیگر، نقش مدیریتی پلیس در ایجاد نظم و امنیت، دارای ماهیت واقعی به معنای رهایی مردم از خطر، تهدید، آسیب‌های اجتماعی، اضطراب، هراس، نگرانی یا بهره‌مند شدن جامعه از آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین نظم و امنیت است. نظم و امنیت در همه سطوح کشور، به حفظ تداوم هویت اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد.

نقش توسعه مدیریتی پلیس در نظم و امنیت عمومی در بسترسازی آموزش و توسعه نیروی انسانی نهفته است و شکی نیست که هزینه‌کرد در این بخش، ضریب اطمینان را برای تعمیم سرمایه اجتماعی فراهم می‌کند و فضای فکری هر شهروند را برای مدیریت زندگی اجتماعی‌اش، با مشارکت مثبت و کارساز در روابط اجتماعی ارتقا می‌دهد و اینگونه می‌شود که در افق چنین مسیری می‌توان امنیت، رفاه و آرامش روانی جامعه را مشاهده کرد. پر واضح است که شاخص‌های عمده پدیده نظم، مانند امنیت و توسعه مدیریتی نیروهای

پلیس، جزو نیازهای اساسی انسان امروزی به شمار می‌روند و در نهایت، افقی روشن با عنوان امنیت جامعه یا جامعه امن، از دل چنین دیدگاهی متولد می‌شود (گیدنز، ۱۳۹۰).

می‌دانیم که مدیریت نظم و امنیت از بُعد مطالعات جامعه‌شناسی، باید مورد اهتمام قرار گیرد. در جامعه‌ای که موضوعاتی چون «فاصله طبقاتی، فقر، فحشاء، اعتیاد، تعارضات بینشی و ایدئولوژیکی، بهداشت، روابط شی‌انگارانه رابطه انسانی، تضادها، سوء تفاهات، سوء تعبیرها و از خود بیگانگی‌ها وجود دارد، باید دامنه آسیب‌های اجتماعی را فراتر از ثنوری‌های رایج در نظر گرفت، مسئله‌ای که به شدت مغفول واقع شده است و نیازمند مطالعات عمیق در حوزه‌های مختلف است.

با توجه به وظایف دولت یا حکومت در قبال هر سیستم اجتماعی، می‌توان گفت تحقق هر برنامه‌ای در گرو تأمین نظم و امنیت است. جایی که مردم باید این ذهنیت را داشته باشند که جامعه بستر مناسبی برای فعالیت آن‌ها به وجود می‌آورد و آنان را در رسیدن به اهداف و عملی ساختن برنامه‌ها در هر بُعدی کمک می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت نظم و امنیت جامعه از مهمترین مؤلفه‌های اساسی و پایداری توسعه مدیریت در جهت حفظ نظم و امنیت است و هر چه میزان این مؤلفه در بین سایر عوامل پایدار امنیت قوی‌تر و بیشتر باشد امنیت ملی پایدارتر، کم هزینه‌تر و شکوفاتر خواهد بود (آنالویی، ۲۰۰۲).

در راستای توسعه مدیریت و ایجاد نظم و امنیت در جامعه می‌توان اهداف توسعه را همگام با امنیت شهروندان نظیر گروه، قشر، طبقه، قوم، طیف و غیره مطرح کرد. ضمناً ارزش‌های عام و فراگیر چون دانایی و خردگرایی، صداقت، و راستگویی، آزادی و مردم‌سالاری، عدالت و مساوات طلبی، بهره‌برداری بهینه از منابع در جهت پاسخگویی به نیازهای مردم و رشد و شکوفایی استعدادهای آنان و نظایر آن هستند که در بین همه واحدهای اجتماعی کمابیش مشترکند و شاخص‌های عام توسعه مدیریت را تشکیل می‌دهند. دستیابی به توسعه در ابعاد گوناگون مدیریت، نظم و امنیت اجتماعی، نوسازی شهری، اقتصادی- معیشتی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، زیست محیطی، صنعتی و گردشگری را شاید بتوان

اصل محوری برنامه های اغلب دولت ها در حوزه نیروی انظمایی، بویژه پلیس، به شمار آورد. نگرشی جدید به «مفهوم توسعه» و «سطح توسعه یافتگی» در هر جامعه، همراه مبانی ارزشی سیاستگذاران، عناصر راهبرد توسعه در هر کشور را تشکیل می دهد. البته این عناصر با توجه به شرایط خاص کشورهای در حال توسعه مانند ایران، از حساسیت بیشتری برخوردار می شود.

تحول پدید آمده در تفکر توسعه و مدیریت توسعه، برای نظم و امنیت همه کشورهای در حال توسعه و بویژه برای شرایط کنونی ایران و به منظور تبیین الگوی مناسب رشد و توسعه همه جانبه کشور از اهمیت بسزایی برخوردار است و لزوم بازنگری در شاخص های توسعه را بیان می کند. توسعه کشورها تحت عنوان مدرنیته، پیشرفته و صنعتی از یک سو و در مقابل آن، نابرابری های موجود در کشورهای فقیر و توسعه نیافته انسانی که محصول نابسامانی های نظام حاکم است همیشه تحت لوای نبود یا وجود امنیت تعریف می شود (عظیمی، به نقل از نور محمدی ۱۳۹۲، تهران: دانشگاه شهید بهشتی).

در سال های اخیر، کشورهایی که با تحولات فراوان در تمام ابعاد فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی و غیره روبه رو بوده اند، نظام آموزشی را در جایگاه سرمایه ای ضروری برای تحقق اهداف توسعه کشوری یافته اند. بی تردید، رشد، پیشرفت و توسعه در اقتصاد آموزش و پرورش و توسعه مدیریت نیروی انسانی، مانند هر نهاد دیگری نیازمند یک محیط اندیشه محور است نه مصرف گرا؛ و این محیط یا بستر، جز در سایه آموزش و ترویج فهم و دانایی، آگاهی و توجه به پارامترهایی چون فضای آموزشی مجازی و تسهیل دستیابی به دوره های آموزشی میسر نیست. (هوشمندیار، ۱۳۹۳، ۷۱-۷۹). از سوی دیگر هدف تبیین نقش اقتصاد و تأثیر رشد روند توسعه همه جانبه ارکان جامعه، ارتقای قدرت تشخیصی نیازهای واقعی گذشته، حال و آینده است. نقش مهمی که آموزش رفتار فردی و اجتماعی را توضیح می دهد. اما چرا حتی در بحث گسترش مفاهیم اجتماعی نیز از آموزش صحبت می کنیم؟ جامعه شناسان بر این باورند که آموزش، توانایی های متعددی را به سرمایه انسانی

انتقال می‌دهد، این امر موجب افزایش قدرت تولید ملی و توسعه اقتصادی می‌شود که نتیجه نسبی مثبت آن، توسعه عدالت اجتماعی، توزیع قدرت و ثروت، ارائه راه حل برای برون‌رفت از مشکلات و فروکش کردن نسبی بیکاری و تورم، به تحرك واداشتن چرخ‌های تولید و صادرات، نهادینه شدن احزاب، آزادی بیان و مطبوعات و به طور مشخص ایجاد فضای اجتماعی غیرمتمرکز و غیره است.

امروزه، نقش و اهمیت نیروی انسانی در فرآیند تولید و ارائه خدمات در جوامع بشری به عنوان مهم‌ترین عامل مشخص شده است. با نگاهی به مراحل تمدن بشری مشخص می‌شود که نقش نیروی انسانی از نیروی کار ساده به سرمایه انسانی تکامل یافته است، چرا که پیشرفت تکنولوژی بدون تحولات نیروی انسانی فاقد کارآیی است. در عصر حاضر دیگر تزریق منابع مالی به عنوان فاکتور اصلی توسعه به شمار نمی‌آید بلکه تحولات و بهره‌وری نیروی انسانی با رشد خود سبب ارتقای سازمان‌ها و به تبع آن توسعه نظام‌های اقتصادی در جهان می‌شوند، به طوری که سرمایه‌های انسانی میزان سرمایه‌های مادی را تعیین می‌کنند. ریشه و علل عقب افتادگی کشورهای توسعه نیافته، به طور اساسی تحت تأثیر پدیده بهره‌وری پایین است. بنابراین رشد بالای بهره‌وری، خصوصاً بهره‌وری نیروی انسانی کار، همه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. استفاده صحیح از نیروی انسانی به مثابه ارزشمندترین و بزرگترین ثروت هر جامعه به صورت مسأله‌ای حائز اهمیت مورد توجه دولت‌ها است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که انسان، هم هدف توسعه، هم عامل آن محسوب می‌شود و تحقق اهداف توسعه تا حد قابل توجهی به نحوه اداره و مدیریت نظم، امنیت کشور توسط مجریان قانون که این ثروت و منبع حیاتی بستگی به نیروهای انتظامی و بویژه پلیس دارد (هوشمندیار، ۱۳۹۳، ۷۱-۸۴).

## روش پژوهش

این پژوهش از جنبه هدف پژوهشی کاربردی است و از جنبه گردآوری اطلاعات در رده توصیفی پیمایشی قرار دارد. تمام جامعه آماری (۸۰ نفر) از افراد نیروی انتظامی پلیس از مناطق مختلف تهران بزرگ متعلق به سه سطح سلسله مراتب سازمانی به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته شامل ۲۱ سؤال بود که به سنجش نگرش افراد و ذهنیت آن‌ها نسبت به خلاقیت پلیس و بر اساس پارادایم و رویکرد اثبات‌گرایی یا پوزیتیویستی می‌پردازد. شاخص‌های استفاده شده در آن برگرفته از شاخص‌های تحقیقات قبلی انجام شده است. برای بررسی چگونگی توزیع شاخص‌های پرسشنامه، از نظرات ۱۵ نفر از متخصصین در این زمینه استفاده شد و فراوانی گزینه‌ها ارزیابی شد و مشخص شد که تمام شاخص‌های پرسشنامه از نظر متخصصین دارای اهمیت هستند. از تعداد ۸۰ پرسش نامه توزیع شده، به ۶۹ پرسشنامه پاسخ داده شد. روایی و پایایی پرسشنامه به وسیله ضریب آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفته شد و پس از تأیید شاخص‌های پرسشنامه، پس از کدگذاری پرسشنامه و محاسبه شاخص‌های توصیفی، برای ارزیابی فرضیه‌های آماری پژوهش، از ضریب همبستگی اسپیرمن با استفاده از نرم افزار SPSS 22 بررسی‌های لازم صورت گرفت.

## یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های پژوهش، در بررسی نقش توسعه مدیریت و خلاقیت پلیس، بیشترین درصد فراوانی سابقه کار در خلاقیت مدیریت پلیس بوده است. همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، رابطه بین موفقیت نقش توسعه مدیریت با صفات خلاقیت و شخصیتی بر اساس ضریب همبستگی اسپیرمن ( $r_s = 0.353$  و  $p = 0.006$ ) است، در نتیجه رابطه مثبت و معناداری بین این دو متغیر وجود دارد. همچنین رابطه بین موفقیت با صفات انگیزشی

خلاقیت براساس ضریب همبستگی اسپیرمن ( $r_s = 0.238$  و  $p = 0.001$ ) نشان داد رابطه مثبت و معناداری نیز بین این دو متغیر وجود دارد.

بررسی رابطه نقش توسعه مدیریت با خلاقیت، وابستگی با پرسنل پلیس براساس ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد بین خلاقیت با این متغیرها رابطه معناداری وجود دارد.

**جدول ۱.** رابطه نقش توسعه مدیریت با خلاقیت<sup>۱</sup>

P	Rs	عنوان
0.840%	0.28%	رابطه خلاقیت با هوش
0.097%	0.218%	رابطه خلاقیت با موفقیت
0.001%	0.408%	رابطه موفقیت با توانایی سیستم پلیس
0.037%	0.273%	رابطه موفقیت با اعتماد به نفس
0.436%	0.108%	رابطه موفقیت یا سیستم عملیاتی پلیس
0.001%	0.392%	رابطه موفقیت با قاطعیت
0.274%	0.145%	رابطه موفقیت سیستم پلیس با جامعه
0.001%	0.392%	رابطه نقش توسعه مدیریت با خلاقیت

همچنین در بررسی رابطه موفقیت، ابتکار و خلاقیت با نیاز به قدرت، نیاز به پاداش مالی و نیاز به امنیت شغلی سیستم پلیس براساس ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد، بین خلاقیت با این متغیرها رابطه معناداری وجود دارد.

از طرفی بررسی رابطه نقش توسعه مدیریت با خلاقیت، با ابتکار توانایی سیستم پلیس، اعتماد به نفس، قاطعیت، براساس ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد که بین نقش توسعه مدیریت با خلاقیت با این متغیرها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

۱- ضریب همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنی دار است.



جدول ۲. رابطه خلاقیت و صفات مختلف<sup>۱</sup>

P	Rs	عنوان
۰/۰۲۵	٪۲۸۵X	رابطه خلاقیت با نیاز به پیشرفت حرفه ای
۰/۰۰۳	٪۳۷۹X	رابطه خلاقیت با نیاز به خود شکوفایی
۰/۳۴۳	- ۰/۱۲۷	رابطه خلاقیت و موفقیت با نیاز به قدرت
۰/۹۰۸	۰/۰۱۵	رابطه خلاقیت و موفقیت با نیاز به پاداش مالی
۰/۹۴۳	۰/۰۰۹	رابطه خلاقیت موفقیت با نیاز به امنیت شغلی پلیس

## بحث و نتیجه گیری

کار مدیریتی پلیس امری پیچیده است و مستلزم آن است که مدیران نیروی انتظامی و پلیس معلومات و مهارت‌هایی را کسب کنند که آنان را قادر به اداره مؤثر و کارآمد جنبه های مختلف مشاغل خود کند. اینجا استدلال می‌شود که کار نیروی انسانی انتظامی به‌طور عام و اثربخشی مدیریتی پلیس را به‌طور خاص در وجه غالب باید به‌عنوان کاری در نظر گرفت که متضمن مدیریت وظایف شغلی و تعاملات با سایر افراد جامعه، در کنار هم است. با این حال، به بیان کلی، نتایج به نوعی ما را به تصدیق این دیدگاه معمولاً مقبول می‌رسانند که نیروی انسانی انتظامی و توسعه مدیریتی پلیس، به رغم زمینه‌های فرهنگی متفاوتی که در قالب آن کار می‌کنند، باید با سایر افراد جامعه و مسائل مربوط به آنان در سازمان‌های خود مواجه شوند و امور مطرح در این ارتباط را هم اداره کنند. نیرو و سرمایه انسانی انتظامی احساس می‌کنند که اداره مؤثر تعاملات خود با سایر افراد جامعه، مجرای اصلی اقدام برای نظم، امنیت و وظایف شغلی خود به صورتی کارآمد است، همچنین مدیریت تعاملات پلیس به صورت کارآمد، نقش مهمی در افزایش اثربخشی اجتماع ایفا می‌کند.

۱- ضریب همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنی دار است.

در خصوص اهمیت نظم و امنیت، این مطالعه ما را به این نتیجه می‌رساند که در مورد اکثر نیروها و سرمایه انسانی انتظامی، تقسیم مسئولیت‌های مدیریتی به شیوه رضایت‌بخش و محسوس در عمل، عمدتاً وابسته به توانایی نیرو و سرمایه انسانی برای برقراری ارتباط مؤثر و کارآمد با مردم است (هوشمندیار، ۱۳۹۳، ۶۵-۸۲).

همچنین این نتیجه حاصل شد که نظم، امنیت و مدیریت پلیس در جامعه، فارغ از نوع شغل‌شان، مدارک رسمی‌شان، و جایگاه‌شان در سلسله‌مراتب سازمانی، باید به نوعی باشد که افراد شاغل در این حوزه احساس کنند که اثربخشی مدیریتی و آموزش و توسعه مدیریت می‌تواند برای آنان نافع و سودمند باشد. نیرو و سرمایه اجتماعی و توسعه مدیریتی پلیس، قاطعانه بر این باور بودند که با توجه به تغییر و تحولات دائمی که مشاغل آنان و محیط شغلی‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، آموزش و توسعه مدیریت، ملزومات اجتناب‌ناپذیر حفظ سطح اثربخشی و خلاقیت آنان را در جامعه نمایان می‌کنند.

نظم و امنیت اجتماعی به‌طور کل و توسعه مدیریت و خلاقیت پلیس به‌طور اخص، در سطح جوامع نظم و بقاء را به‌عنوان مهمترین کارکرد اساسی خود به‌وجود می‌آورد. بر این اساس، جامعه‌شناسی امنیت به حفظ حریم اجتماعی، رفع خطرات، استفاده بهینه از فرصت‌ها و ارتقای سطح زندگی اجتماعی می‌پردازد. از نظر ماهیت حقیقی، امنیت به معنای رهایی از خطر، تهدید، آسیب، اضطراب، هراس، نگرانی یا در نقطه مقابل وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد و تأمین است. براساس قوانین نظام بنیادین، منشاء احساس امنیت وجودی است و امنیت هستی‌شناختی، دلالت بر نوعی احساس تداوم پایداری در فرد دارد که مستلزم وجود اطمینان به استمرار و دوام محیط اجتماعی و هویت شخصی است که این امر، پیوند وسیعی با میزانی از اطمینان و اعتماد اجتماعی دارد (گیدنز، ۱۳۹۰).

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، ابتکار، خلاقیت، توانایی، برای قابلیت نقش توسعه مدیریت پلیس می‌تواند از مسائل اساسی مؤلفه‌های توسعه مدیران موفقیت در سازمان‌ها به معنای عام و خلاقیت و موفقیت در مدیران سیستم پلیس به صورت خاص ارزیابی کرد.

حاصل این یافته ها ، دلالت بر آن دارد که بین ویژگی های شخصیتی و انگیزشی مدیریت و رابطه ابتکار، خلاقیت و موفقیت با نیاز به امنیت شغلی پلیس با ارزیابی آنان از میزان موفقیت شان رابطه معنی داری وجود دارد . حال آنکه مدیرانی که ارزیابی مثبتی از موفقیت خود دارند، دارای ویژگی های شخصیتی خاصی هستند که به احتمال زیاد به واسطه آن به رفتارهای مطلوب معینی در مدیریت و رهبری سازمان و جامعه مبادرت می ورزند که پی آمد آن ابتکار، خلاقیت و موفقیت در حوزه شغلی آنان است . دی<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) هم بر این باور است که ویژگی های انگیزشی و شخصیتی از مهم ترین عوامل تاثیرگذار بر موفقیت توسعه مدیریت دیده است .

تجزیه و تحلیل یافته ها نشان می دهد که ویژگی هایی مانند توانایی ، انگیزش ، اعتماد به نفس و قاطعیت در موفقیت انگیزشی مدیریت پلیس و برنامه ریزی آموزشی حائز اهمیت هستند ، درحالی که ویژگی های دیگری مانند هوش و وابستگی به نیروی انسانی در موفقیت آنان تأثیر چندانی ندارند. حاصل آنکه توانایی مدیریتی ، منتهی به رفتارهایی از قبیل ایجاد انگیزش مثبت در شهروندان هر جامعه ای در پیشبرد انجام امور محوله سازمانی، توجه به شرح وظایف مدیران که نتایج بررسی این مؤلفه منتهی به محیطی آرام و مناسب برای مردم می شود و می تواند موجب بهبود عملکرد مؤثر رفتار جامعه گردد. بدیهی است توجه به ویژگی های شخصیتی و انگیزشی نیروی خاص و برنامه ریزی اساسی در جهت اصلاح آن در سازمان ها، منتهی به ابتکار، خلاقیت و موفقیت مدیران به طور عام و در بخش سیستم پلیس به طور خاص می گردد. (گیدنز، ۱۳۹۰)

در کلامی خلاصه می توان گفت که :

در بررسی مسأله توسعه یافتگی مدیریت نیروی انسانی (HRM) می توان گفت: مدیرانی که از کارزمای خوبی برخوردار هستند و بر حوزه شغلی خود کنترل دارند دارای اراده ، ظرفیت بالایی در ابتکار، خلاقیت، موفقیت و بویژه در مدیریت بحران از خود لیاقت و

کارآیی نشان می دهند. در مطالعه ابتکار و کارآفرینی می توان گفت مدیرانی که برای حل مسائل به نوآوری پی در پی روی می آورند، معتقدند این راه تجدید حیات مدیریت و سازمان است و بر این باورند که از طریق اندیشه های تازه می توانند ارکان سازمان را نوسازی نمایند. بنابراین مدیران خلاق و کارآفرین، ارائه روش های نوین و پیشنهاد راهکارهای جدید در سازمان را نادیده نمی گیرند. از سوی دیگر، در بررسی اعتماد به نفس در مدیران می توان اشاره کرد که مدیران موفق، مدیرانی هستند که براساس اعتماد به نفس و اعتماد بر باورهای خود عمل می کنند. آنچه موجب موفقیت نیروی انسانی در برنامه ریزی مدیریت آموزشی می شود اطمینان به توانایی و مهارت های خود و درک کامل آن، ارتباط رفتاری مثبت با دیگران و تطبیق سریع با محیط و هدف سازمان است (هوشمندیار، ۱۳۸۸).

در مطالعه ابتکار و خلاقیت در توسعه مدیریت می توان گفت: ابتکار، خلاقیت به تنهایی در زمینه های گوناگون همیشه موفقیت نبوده؛ زیرا ممکن است خلاقیت و موفقیت فرد به سایر ویژگی های شخصیتی و اجتماعی و یا عوامل انگیزشی، محرک ها یا علاقه مندی افراد به کارهای مختلف بستگی داشته باشد. مدیر خلاق، کسی است که در درجه اول به نیروی انسانی تحت پوشش خود بیاموزد چگونه اهداف استراتژیک حیاتی سازمان را دنبال کنند. در مطالعه ویژگی های ابتکار، خلاقیت و توسعه مدیریت، می توان گفت که مدیرانی که دارای صفات انگیزشی و شخصیت خاصی هستند دارای دیدگاه ها، کشش ها و عواطفی هستند که آنان را به انجام کارها هدایت می کنند و چالش هایی را در رفتار مدیران ایجاد می کند که نتایج این رفتار، خلاقیت و موفقیت است. در بررسی های رفتاری، قبول مسئولیت مدیران برای پیدا کردن راه حل مشکلات و تعهدات، نسبت به پیشبرد اهداف سازمانی، خلاقیت و موفقیت مدیران را تضمین می کند. افراد خلاق و کارآفرین، محیط سازمانی خود را به طور عینی درک می کنند و با برنامه ریزی کوتاه و دراز مدت به اصلاح نقاط مثبت شرح وظایف سازمانی خود می پردازند. این افراد نسبت به انجام امور حوزه مدیریت برنامه ریزی آموزشی، احساس تعهد و وفاداری بیشتری نسبت به سایرین دارند.

خلاقیت در نقش توسعه مدیریت و موفقیت آنان در این تحقیق در مطالعات و بررسی های امنیت شغلی پلیس نشان داده شد که نظم و امنیت اجتماعی به طور کل و توسعه مدیریت و خلاقیت پلیس به طور اخص، در سطح جوامع نظم و بقا را به عنوان مهمترین کارکرد اساسی خود به وجود می آورند (هوشمندیار، ۱۳۹۳، ۶۵).

پلیسی که در چارت سازمان خود احساس خودشکوفایی و موفقیت می کند دیگر توسط نیازهای مالی برانگیخته نمی شود، بلکه برای جستجوی احترام و خود شکوفایی برانگیخته می شود.

در زمینه هوش و خلاقیت پلیس (رابینز، ۱۹۸۶) معتقد است موفقیت فرد در درجه اول به عوامل انگیزشی ویژه، محرک ها یا تمایل افراد به امور مختلف بستگی دارد و شناخت واکنش ها و درک نتایج و انعطاف پذیری برای تغییر رفتار در درجه بعد قرار دارد. وی معتقد است فعالیت هوش و خلاقیت به عنوان عامل موفقیت در درجه سوم قرار می گیرد. در مورد صفت وابستگی با سیستم پلیس، مک کلند (۱۹۹۶)، معتقد است که وجود این خصلت در افراد سبب ایجاد روابط عاطفی با دیگران و فعالیت های اجتماعی می شود. البته در سازمان های نظارتی پلیس، این ارتباط ممکن است همیشه به عملکرد مؤثر منجر نشود و نیاز به وابستگی با سیستم عملیاتی پلیس، بستگی به این دارد که سیستم پلیس تا چه حد فرد را و فرد تا چه حد سیستم پلیس را پذیرا باشد؛ زیرا در شرایط خاص ممکن است نتواند نیازها و خواسته های افراد جامعه را برآورده سازد.

دراکر (۱۹۸۵) معتقد است که در بسیاری از سازمان ها و مدیریت سیستم خلاقیت پلیس، رشد روحیه نوآوری، مهارت ها در میان سیستم مدیریتی می تواند یکی از ضروریات رشد، بقاء و موفقیت تلقی شود. از طرفی در مورد صفت خلاقیت مدیریت پلیس، بررسی تحقیقاتی در توانایی کار پلیس با مردم می شود اظهار کرد آنچه باعث خلاقیت سیستم پلیس در سازمان مربوطه می شود اطمینان به توانایی خود و درک کامل آن ارتباط مثبت با دیگر افراد

گروه و تطبیق سریع با محیط جامعه است. نباید فراموش کرد افراد موفق: قاطع، مصمم، صبور و مسئولیت پذیر می باشند.

همچنین بررسی رابطه نقش توسعه مدیریت با خلاقیت و نیاز به پیشرفت حرفه ای پلیس، با صفت شکوفایی و خلاقیت براساس ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد که خلاقیت و موفقیت با این متغیرهای مستقل رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. بر این باور، ویژگی انگیزشی و شخصیتی که سبب توسعه مدیریت با خلاقیت مدیران می شود، نیاز به توفیق طلبی سیستم پلیس است. بررسی ها نشان می دهد احساس رضایت خاطر فردی که مازلو آن را شکوفایی می نامند از عوامل مهم کسب موفقیت و خلاقیت محسوب می شود (برایان تریسی، ۱۳۷۵). نیروی انسانی و سرمایه اجتماعی، در پرتو زندگی در جامعه است که استعداد شیوه زندگی و هویت خود را پیدا می کنند. نظریه انتقادی در بحث نظم و امنیت و توسعه مدیریت اجتماعی فرض طبیعی بودن دولت به عنوان مرجع امنیت و عینی بودن تهدیدهای امنیتی را رد می کند. از منظر این مکتب، امنیت اجتماعی از طریق رهایی بخشی انسان ها به بهترین وجه تامین می شود. در واقع در رویکرد انتقادی، فهم و تبیین امنیت اجتماعی، مستلزم فهم جامعه و کنشگران آن است. فمینیست ها معتقدند که ادبیات امنیت، از منظر مردانگی نوشته شده است؛ به این ترتیب هر مفهوم امنیتی فمینیستی، تنها می تواند مناسب حال گروهی از زنان در دوره ای خاص باشد.

از طرفی برخی اندیشمندان، رهیافت مدرن امنیت اجتماعی را در قالب دو گفتمان دولت محور و جامعه محور دانسته اند. گفتمان دولت محور، کانون امنیت اجتماعی را در نهاد حکومت و دولت می بیند و گفتمان جامعه محور، کانون و مرکز خود را جامعه دانسته است. رویکرد پست مدرن نیز امنیت را نارسا دانسته است. از نظر این مکتب، امنیت مفهومی نسبی و سیال است و در هر جامعه و زمانی، معنای خاص به خود می گیرد. این مکتب بر فعالیت های انسانی و شیوه های تأثیر گذاری این فعالیت ها بر ساختارهای اجتماعی گسترده تر تأکید دارد.

### پیشنهادها:

- بر اساس نتایج تحقیق، پیشنهاد می‌شود پلیس برای خلاقیت توسعه مدیریت منتهی به جلب اعتماد نسبی مردم، اقدامات زیر را در برنامه کلان قرار دهد:
- ۱- تلاش در رسیدگی به نیازهای امنیتی مردم در راستای افزایش رضایت آنان؛
  - ۲- فرهنگ سازی و بویژه آموزش لازم به پلیس برای رفتار مناسب و شایسته با مردم، اعم از ارتباط کلامی و غیر کلامی؛
  - ۳- ارائه گزارش عملکرد پلیس توسط مدیران ارشد به مردم با اطلاع رسانی درست؛
  - ۴- اطلاع رسانی از برنامه‌های آتی پلیس در زمینه برقراری نظم و امنیت شهروندان به منظور امیدواری بیشتر مردم به آینده نیروی انتظامی؛

### سپاسگزاری

از دکتر علی دلاور برای مطالعه پیش نویس مقاله و ارائه پیشنهادهای ارزشمند وی سپاسگزارم.

### منابع

- احمدی، سید محمد (۱۳۷۸). توسعه اجتماعی و امنیت ملی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، ۷۰-  
www.noormages.com، ۹۰
- بیات، بهرام (۱۳۸۸). جامعه شناسی احساس امنیت. چاپ اول، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- تریسی، برایان (۱۳۷۵). موفقیت های کلیدی. تهران: نشر مرغ آمین.

عظیمی، حسین (۱۳۹۲) *اشتباه ما ایرانیان در تعریف توسعه، نقل از خسرو نور محمدی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.*

غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). *سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی.* چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه شناسان.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۰). *تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه: ناصر موفقیان، چاپ اول، تهران: نشر نی.*

نصری، قدیر (۱۳۸۱). *حادثه ۱۱ سپتامبر، شماره ۱۷ و ۱۸، مطالعات راهبردی، تهران، ۶۷۱-۶۹۲.*

نویدنی، منیژه (۱۳۸۸). *درآمدی بر امنیت اجتماعی. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره اول، ۵۵-۷۶.*

هوشمندیار، نادر (۱۳۸۸). *اثر بخشی و چالش های مدیریت، تهران: انتشارات هزاره سوم، چاپ دوم.*

هوشمندیار، نادر (۱۳۹۳). *توسعه و آموزش، تهران: تحلیل جایگاه آموزش در مدیریت و توسعه نیروی انسانی، نشر شور آفرین، چاپ دوم.*

Analoui, F. (2002). "What Motivation Senior Manager? The Case of Romania", *Journal of Managerial Psychology*, Vol.15, No. 4, pp: 234-326.

Day, Linzi.( 1997). "Success Personality", sale magazine.

Drucker, P.( 1985 ). " *Innovation and Entrepreneurship* ", Harper and Row, New York.

Robbins, A.(1986). " *Unlimited Power, Fawcett columbine* ", New York.